

ضربه امپریالیستی خارجی چین بر مبنای استراتژی بازار جهانیست، در حالی که واشنگتن همچنان بدنبال استراتژی امپریالیستی نظامیست، که جهت تحمیل سلطه جهانی با استفاده از زور طراحی شده است... سیاست رسمی آمریکا جهت مقابله با چین به عنوان یک جهان سرمایه داری رقیب، احاطه چین با پایگاه‌های نظامی و تهدید به اخلال در اقتصاد چینست. و به عنوان بخشی از این استراتژی، رسانه‌های غربی و باصطلاح «کارشناسان»، مشکلات چین را بزرگ و مشکلات خودشان را کوچک جلوه می‌دهند... آمریکا به نوبه خود، اتحاد‌های نظامی تهاجمی را ترویج می‌دهد، رادار و موشک‌های ماهواره ای هدایت شده را در مرزهای چین، ایران و روسیه نصب می‌کند، و کره شمالی تهدید را به نابودی از روی کره خاکی کرده است. برنامه نظامی چین دفاعی بوده و همچنان دفاعی خواهد ماند. افزایش نظامی چین پاسخیست که به تحریک آمریکا بستگی دارد. چین در صد سال گذشته نه به هیچ کشوری حمله یک‌جانبه و تجاوز کرده، و نه کشوری را اشغال نموده است. چین موشک‌های هسته ای در سواحل یا مرزهای آمریکا قرار نداده است. در واقع، چین حتی یک پایگاه نظامی در خارج از کشور ندارد. پایگاه‌های نظامی چین، در جنوب دریای چین، جهت محافظت از مسیرهای دریایی حیاتی خود از دزدان دریایی و تحریک‌های فزاینده ناوگان نیروی دریایی آمریکا ایجاد شده اند. بودجه نظامی چین، که برنامه ریزی شده است تا ۷ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یابد، هنوز کمتر از یک چهارم بودجه نظامی آمریکاست.

جهش بزرگ چین به پیش

نوشته: جیمز پتراس

برگردان: آماور نویدی

مقدمه:

سرمقاله نویسان مجله‌های علمی و مالی آمریکا، رسانه های جمعی و «کارشناسان آسیایی» معاصر و سیاستمداران مترقی و محافظه کار غربی، مانند قورباغه ها از مرداب ملالت انگیز خود، یکصدا درباره سقوط قریب الوقوع و محیط زیست چین، قور قور می‌کنند و ابو عطا می‌خوانند.

قورباغه ها بطور نامنظم اعلام می‌کنند که

(۱) اقتصاد چین در حال افولست؛

(۲) غرق در بدهیست، و حباب املاک و مستغلات چین آماده ترکیدن است؛

(۳) چین مملو از فسادست و با آلودگی مسموم شده است؛

(۴) کارگران چینی در اثر استثمار و تشدید نابرابری طبقاتی، در برابر افزایش سرکوب اعتصاب می‌کنند، و در حال برپایی اعتصابات فلج کننده هستند.

قور قور قورباغه های مالی درباره چین شامل تهدید نظامی حتمی امنیت ملی و شرکای آسیایی آمریکا نیز می‌شود. قورباغه های دیگر برای گرفتن مگسی در آسمان خیز برمی‌دارند - استدلال می‌کنند که اکنون چین تهدیدی برای کل جهانست.

این «داوران روز محشر چین»، با «کارنامه اعمال ننگین خود»، و با افسانه های من‌درآوردی عجیب و غریب و چشم انداز رنگ آمیزی شده، که، در واقع اجتماع خودشان را منعکس می‌کند، واقعیت را بطور سیستماتیک تحریف کرده و می‌کنند.

درحالی‌که که ادعاهای دروغین آن‌ها تکذیب شده است، قورباغه ها تنها لحن خودشان را تغییر می‌دهند: زمانی‌که پیش‌بینی سقوط قریب الوقوع چین به واقعیت نپیوست، آن‌ها یکسال یا حتی یک دهه به کریستال شعبده بازی خود اضافه می‌کنند. زمانی‌که هشدارهای گرایش‌های اجتماعی، اقتصادی و ساختار منفی ملی، بجای این‌که در مسیر مثبت

حرکت کند، با انگلستان چابک قورباغه‌ها دامنه و عمق بحران را دوباره اندازه‌گیری می‌کند، و به «آیات» پخش شده در برخی از روستاها یا شهرهای کوچک، و یا حتی به محاوره و گفت و شنید رانندگان استناد می‌کنند.

تا زمانی‌که شکست طولانی مدت پیش‌بینی قورباغه‌ها تحقق نیابد، کارشناسان داده‌های خود را دوباره تکرار می‌کنند تا اعتبار آمار رسمی چین زیر سؤال ببرند.

از همه برتر، کارشناسان «آسیایی» و محققان جهت «واژگونی نقش*» خود تلاش می‌کنند: در حالی‌که پایگاه‌ها و کشتی‌های جنگی آمریکایی بطور فزاینده‌ای چین را محاصره کرده‌اند، چین به تجاوزگر تبدیل می‌شود و امپریالیست‌های آمریکایی آماده جنگ از قربانی بودن خود آه و ناله می‌کنند.

این مقاله در نظر دارد که با بُرش از باتلاق این دروغ‌ها، جایگزینی ارائه دهد که بطور عینی‌تر واقعیت اجتماعی – اقتصادی و سیاسی چین را شرح می‌دهد.

[*https://en.wikipedia.org/wiki/Role_reversal](https://en.wikipedia.org/wiki/Role_reversal)

چین: افسانه و حقیقت

ما بارها درباره اقتصاد «دستمزد ارزان» و استثمار وحشیانه کارگران برده توسط الیگارشی‌ها و مقامات سیاسی فاسد میلیاردی در چین خوانده ایم. در واقع، میانگین دستمزد در بخش تولیدی چین در طول این دهه، سه برابر شده است. نیروی کار چین دستمزدهایی دریافت می‌کند که با یک استثناء مشکوک، از کشورهای آمریکای لاتین بیشتر است. دستمزد کارگران تولیدی چین در حال حاضر مانند دستمزد آن کارگران سیار کم‌درآمد کشورهای اتحادیه اروپاست. در همین حال، رژیم‌های نئولیبرال، تحت فشار اتحادیه اروپا و آمریکا، دستمزدها را در یونان به نصف، و در برزیل، مکزیک و پرتغال بطور قابل توجهی کاهش داده‌اند. دستمزد کارگران در چین، اکنون از آرژانتین، کلمبیا و تایلند بیشتر است، در حالی‌که با استاندارد اتحادیه اروپا و آمریکا بالا نیست، اما دستمزد سال ۲۰۱۵ چین، ۳ دلار و ۶۰ در ساعت بود – و استاندارد زندگی را برای ۱ میلیارد و ۴۰۰ هزار کارگر توسعه داد. در طول آن زمانی‌که چین دستمزد کارگانش را سه برابر کرد، دستمزد کارگران هندی ۷۰ سنت در ساعت و دستمزد کارگران آفریقای جنوبی از ۴ دلار و ۳۰ سنت به ۳ دلار و ۶۰ سنت کاهش یافته است.

این افزایش جالب در دستمزد کارگران چینی تا حد زیادی نشانه ازدیاد بهره‌وری است، که ناشی از بهبود ثابت سلامت کارگران، آموزش و پرورش، آموزش فنی، همچنین فشار پایدار کارگر سازمان‌یافته و مبارزه طبقاتی است. کمپین موفقیت آمیز رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ جهت حذف و دستگیری صدها هزار از مقامات و کارفرمایان کارخانه‌های استثمارگر و فاسد، قدرت کارگران را افزایش داده است. کارگران چینی در حال بستن شکاف با حداقل دستمزد آمریکا هستند. در نرخ رشد کنونی، این شکاف، که از یک دهم تا نصف دستمزد آمریکا در ده سال کوچک شده است، در آینده نزدیک نیز از بین می‌رود.

چین دیگر کشوری صرفاً اقتصاد صادرات‌گرا و مونتاژگر، با کار متمرکز، غیر ماهر، و با دستمزد پائین نیست. امروز از بیست هزار آموزشگاه فنی، میلیون‌ها کارگر فارغ‌التحصیل می‌شوند: کارخانه‌ها با فن آوری بالا در حال ادغام روبات‌ها در مقیاس بزرگ جهت جایگزین کردن کارگران غیر ماهر هستند. بخش خدمات جهت نیاز بازار مصرف داخلی در حال افزایش است. چین که با رشد خصومت نظامی و سیاسی آمریکا روبرو شده است، بازار صادرات خود را متنوع کرده است، و از آمریکا به روسیه، اتحادیه اروپا، آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا روی آورده است.

علیرغم این پیشرفت‌های عینی قابل توجه، کُر «قورباغه‌های کلاه‌بردار» به تولید پیش‌بینی‌های سالانه از زوال اقتصاد چین ادامه می‌دهد. تجزیه و تحلیل آن‌ها با رشد ۶/۷ درصد تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۶ اصلاح نشده است؛ قورباغه‌ها «کاهش» تولید ناخالص ملی چین را به ۶/۶ درصد، دلیلی برای اثبات جلوه‌گری سقوط چین در سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی کرده‌اند! کُر شیفته و دیوانه «کلاه‌برداران وال استریت»، زمانی‌که آمریکا تولید ناخالص ملی را از ۱ درصد به یک و نیم درصد اعلام کرد، با دیدن واقعیت هم منصرف نمی‌شود!

در حالی که چین مشکلات جدی زیست محیطی خود را تأیید می‌کند، اما جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای متعهد به هزینه کردن میلیاردی دلار (۲ درصد از تولید ناخالص ملی خودست)، و کارخانه‌ها و معادن (نامناسب با محیط زیست) را می‌بندد. تلاش چینی‌ها بسیار فراتر از آمریکا و اتحادیه اروپاست.

چین، مانند بقیه آسیا، همچنین آمریکا، جهت بازسازی زیرساخت در حال زوال یا غیرموجود خود، به افزایش وسیع سرمایه‌گذاری نیاز دارد. دولت چین در میان کشورها در حفظ و حتی فراتر از رشد نیازهای حمل و نقل خود یکتاست – و در سال ۸۰۰ میلیارد دلار جهت خطوط هوایی، بنادر دریایی، راه آهن سریع السیر، راه آهن، متروهای فرودگاه‌ها و پل سازی هزینه می‌کند.

در حالی که آمریکا تجارت چندملیتی و معاهدات سرمایه‌گذاری با یازده کشور پاسیفیک را رد کرده است، چین تجارت جهانی و معاهدات سرمایه‌گذاری را با بیش از پنجاه کشور آسیا و پاسیفیک (منهای ژاپن و آمریکا)، همچنین کشورهای آفریقایی و اروپایی را ترویج و تأمین مالی کرده است.

رهبری چین تحت رئیس جمهور شی جین پینگ کمپین مبارزه با فساد در مقیاس بزرگ را راه اندازی کرده است که منجر به دستگیری یا برکناری بیش از ۲۰۰ هزار بزنس (کسب و کار فاسد) و مقامات عمومی، از جمله اعضای ارشد کمیته مرکزی گشته است. متعاقب این کمپین ملی، خرید لوازم لوکس بطور قابل توجهی کاهش یافته است. تمرین استفاده از بودجه عمومی جهت ساخت استادانه شام ۱۲ نوع غذایی و تشریفات هدیه دادن و گرفتن رو به کاهش گذاشته است.

در همین حال، علی‌رغم کمپین‌های سیاسی جهت «تخلیه باتلاق» و همه‌پرسی پوپولیستی موفق در غرب، و با وجود گزارشات روزانه از کلاهبرداری و تقلب که شامل صدها بانک سرمایه‌گذاری پیش‌تاز در جهان آنگلو – آمریکایی‌ست، هیچ آثاری که مشابه کمپین مبارزه با فساد در چین باشد، در وجود جهان آمریکا و انگلیس ریشه ندارد. کمپین مبارزه با فساد چین موفق به کاهش نابرابری‌ها می‌شود. این کمپین بروشنی حمایت قاطع کارگران و کشاورزان چینی را کسب کرده است.

روزنامه نگاران و آکادمیک‌هایی که دوست دارند طوطی وار گفته‌های ژنرال‌های ناتو و آنگلو – آمریکایی را تکرار کنند، هشدار داده اند که برنامه نظامی چین تهدید مستقیمی برای امنیت آمریکا، آسیا، و در واقع بقیه جهان است.

فراموشی تاریخی به این عمیق‌ترین قورباغه‌های غوطه ور سرایت کرده است. و فراموش کرده اند که چگونه آمریکا در پساجنگ جهانی دوم به کره و هندوچین (ویتنام، لائوس و کامبوج) حمله کرد و آنجا را نابود ساخت، و بیش از ۹ میلیون از ساکنان، از هر دو، غیرنظامی و مدافعان را کشت. آمریکا به فیلیپین حمله برد، آنجا را در تغییر قرن به مستعمره و نومستعمره تبدیل ساخت، و تا یک میلیون شهروند فیلیپینی را کشت. آمریکا به ساخت و گسترش شبکه پایگاه‌های نظامی خود جهت محاصره نظامی چین ادامه می‌دهد. آمریکا اخیراً موشک‌های تاد مجهز به بمب هسته‌ای قدرتمند را به مرز کره شمالی منتقل کرده است، که از آنجا قادرست به شهرهای چین و روسیه حمله کند. آمریکا بزرگترین صادرکننده اسلحه در جهان‌ست، و از مجموع پنج بازرگان تولیدکننده و فروشنده پیش‌تاز سلاح مرگ پیشی گرفته است.

در مقابل، چین در صد سال گذشته نه به هیچ کشوری حمله یکجانبه و تجاوز کرده، و نه کشوری را اشغال نموده است. چین موشک‌های هسته‌ای در سواحل یا مرزهای آمریکا قرار نداده است. در واقع، چین حتی یک پایگاه نظامی در خارج از کشور ندارد. پایگاه‌های نظامی چین، در جنوب دریای چین، جهت محافظت از مسیرهای دریایی حیاتی خود از دزدان دریایی و تحریک‌های فزاینده ناوگان نیروی دریایی آمریکا ایجاد شده اند. بودجه نظامی چین، که برنامه ریزی شده است تا ۷ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یابد، هنوز کمتر از یک چهارم بودجه نظامی آمریکا است.

آمریکا به نوبه خود، اتحادهای نظامی تهاجمی را ترویج می‌دهد، رادار و موشک‌های ماهواره‌ای هدایت شده را در مرزهای چین، ایران و روسیه نصب می‌کند، و کره شمالی تهدید را به نابودی از روی کره خاکی کرده است. برنامه نظامی چین دفاعی بوده و همچنان دفاعی خواهد ماند. افزایش نظامی چین پاسخی‌ست که به تحریک آمریکا بستگی دارد. ضربه امپریالیستی خارجی چین بر مبنای استراتژی بازار جهانی‌ست، در حالی که واشنگتن همچنان بدنبال استراتژی امپریالیستی نظامی‌ست، که جهت تحمیل سلطه جهانی با استفاده از زور طراحی شده است.

نتیجه گیری

قورباغه‌های روشن‌فکر غربی به مدت طولانی و بلند ابوعطا خوانده اند. آن‌ها خرامان راه می‌روند و مانند حیوان مگس‌خوار پیش‌تاز ژست می‌گیرند- اما از نظر تجزیه و تحلیل عینی هیچ چیز معتبری ندارند.

چین مشکلات جدی اجتماعی، اقتصادی و ساختاری دارد، اما چینی‌ها بطور سیستماتیک با مشکلات مقابله می‌کنند. چینی‌ها متعهد به بهبود اجتماع، اقتصاد و سیستم سیاسی خود بر مبنای شرایط خودشان هستند. چینی‌ها در حالی که از قربانی کردن حاکمیت ملی و رفاه مردم خود امتناع می‌کنند، اما بدنبال حل مشکلات چالش برانگیز عظیم هستند.

سیاست رسمی آمریکا جهت مقابله با چین به عنوان یک جهان سرمایه داری رقیب، احاطه چین با پایگاه‌های نظامی و تهدید به اخلاف در اقتصاد چین است. و به عنوان بخشی از این استراتژی، رسانه‌های غربی و باصطلاح «کارشناسان»، مشکلات چین را بزرگ و مشکلات خودشان را کوچک جلوه می‌دهند.

برخلاف چین، آمریکا با حداقل ۲ درصد رشد غوطه ورست، دستمزدها برای دهه‌ها راکد است؛ دستمزدهای واقعی و استاندارد زندگی کاهش می‌یابند. هزینه‌های تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی سر به فلک کشیده اند، در حالی که کیفیت خدمات حیاتی بطور چشمگیری کاهش یافته اند. هزینه‌ها در حال رشد هستند، بی‌کاری در حال افزایش است و خودکشی کارگران و مرگ و میر در حال رشد است. این کاملاً حیاتی‌ست که غرب پیش‌رفت‌های چشمگیر چین را بپذیرد تا یاد بگیرد، وام بگیرد و الگویی مشابه از رشد مثبت و برابری حقوق را پرورش دهد. همکاری بین چین و آمریکا جهت ترویج صلح و عدالت در آسیا ضروریست.

متأسفانه، رئیس‌جمهور سابق آمریکا و ترامپ رئیس‌جمهور کنونی، مسیر رویارویی نظامی خصمانه‌ای را علیه چین در پیش گرفته اند. دو دوره دولت او باما نشان‌دهنده رکورد جنگ‌های شکست خورده، بحران‌های مالی، رشد زندان‌ها، و کاهش استانداردهای زندگی داخلی‌ست. اما با همه قورقورهای خود، این قورباغه‌ها، که در اتحاد با یکدیگر و با صدای بلند ابوعطا می‌خوانند، جهان واقعی را تغییر نخواهند داد.

در باره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه‌شناسی در دانشگاه بینگهامتون، نیویورک است. آدرس سایت اینترنتی:

<http://petras.lahaine.org/>

برگرداننده شده از:

<http://petras.lahaine.org/?p=2132>